

تحلیلی بر ارزیابی جامعه روستایی از عملکرد نهاد دهیاری با استفاده از رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری

چکیده

پژوهش حاضر به تحلیل ارزیابی جامعه روستایی از عملکرد دهیاری‌ها در بخش مرکزی شهرستان روانسر، با استفاده از رویکرد آماری مدل‌سازی معادلات ساختاری می‌پردازد. بر اساس اهداف و وظایف مطرح در قانون دهیاری‌ها، پرسشنامه‌ای تدوین و با مصاحبه با افراد نمونه داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری گردید. با پردازش اولیه محتوای پرسشنامه و دسته‌بندی موضوعی آن، متغیرهای مشاهده‌شده برای چهار مؤلفه ارزیابی عملکرد اقتصادی، عملکرد اجتماعی-فرهنگی، عملکرد خدماتی و عملکرد مدیریتی دهیاری‌ها به دست آمد. توصیف اولیه متغیرها بیانگر پایین‌تر بودن میانگین تمامی آنها از حد متوسط و ضعف عملکرد دهیاری‌ها از دیدگاه جامعه روستایی بود. چهار مدل تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول برای اندازه‌گیری چهار زیرمقیاس ارزیابی عملکرد تدوین و اعتبارسنجی شد. نهایتاً چگونگی نقش و تأثیر متغیرهای مشاهده‌شده و مؤلفه‌های چهارگانه حاصل از آنها بر ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها، به‌عنوان متغیر وابسته پنهان اصلی، و روابط بین آنها به کمک یک مدل ساختاری تحلیل عاملی تأییدی پنج عاملی مرتبه دوم تحلیل شد. با توجه به اثرهای کلی و ضرایب مسیر نهایی، نتایج حاکی از آن است که با حذف اثرهای خطاهای اندازه‌گیری در رویکرد معادلات ساختاری، ارزیابی جامعه روستایی از عملکرد دهیاری‌ها به ترتیب متأثر از مؤلفه‌های عملکرد خدماتی، مدیریتی، اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی است که تا اندازه‌ای با نتایج حاصل از توصیف متغیرهای مشاهده‌شده خام متفاوت است. اعتبارسنجی درونی زیرمقیاس‌های چهارگانه و مقایسه آنها با نتایج نهایی بیانگر آن است که تأثیرات غیرمستقیم و نهایی متغیرهای مشاهده‌شده بر ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها بیش از میزان اعتبار مدل‌های اندازه‌گیری ناشی از ماهیت آنها و نقشی است که در عملکرد دهیاری‌ها دارند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت روستایی، دهیاری، ارزیابی عملکرد، مدل‌سازی معادلات ساختاری.

مقدمه

نقش و جایگاه روستاها در فرآیند توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس‌های محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و پیامدهای توسعه‌نیافتگی مناطق روستایی چون: فقر گسترده، نابرابری فزاینده، رشد سریع جمعیت، بیکاری، مهاجرت، حاشیه‌نشینی شهری و غیره، توجه به روستاها و جوامع روستایی و حتی تقدم آن بر جوامع شهری را بیش از پیش ضروری

کرده است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۱۹). به نظر مایکل تودارو (۱۳۶۸) ضرورت تقدم و توجه به توسعه روستایی نسبت به توسعه شهری بدین علت است که راه حل نهایی مسأله بیکاری شهری و تراکم جمعیت، بهبود محیط‌های روستایی است. توسعه روستایی، ارتقای اقتصادی و اجتماعی مردم روستایی، افزایش مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و رفع نیازها در دوره‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت است (Cleavar, 1997: 2). یکی از مهم‌ترین ابعاد توسعه روستایی، مدیریت روستایی است که نقش بسیار مهمی در هماهنگی فعالیت‌های توسعه روستایی بر عهده دارد. از زمانی که در مناطق روستایی فرآیندهای سیستماتیک ساختاری حاکم گردید، مفهوم مدیریت روستایی به‌عنوان راهبردی در جهت توسعه روستایی جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌ریزی‌های روستایی پیدا کرد. توسعه روستاها جز از طریق اعمال مدیریت شایسته و کارآمد و بهره‌گیری از شیوه‌های مشارکتی مبتنی بر حضور مردم در فرآیند توسعه امکان‌پذیر نیست. در کشورمان به منظور اداره امور روستاها، به وزارت کشور اجازه داده می‌شود سازمانی به نام دهیاری را با توجه به موقعیت محل، با درخواست اهالی و به‌صورت خودکفا با شخصیت حقوقی مستقل در روستاها تأسیس نماید (اکبری و عبدالهی، ۱۳۹۰: ۱۵۸). دهیاری یک نهاد عمومی غیر دولتی است که به‌منظور اداره امور روستا تأسیس می‌شود و به‌عنوان حلقه رابط بین دولت و مردم نقش بسزایی در پیشبرد اهداف و سیاست‌های دولت در مناطق روستایی دارد. با تأسیس دهیاری، علاوه بر شورای روستا به‌عنوان قانون‌گذار و تصویب‌کننده برنامه‌های عمران روستایی، مدیریت اجرایی امور روستا نیز به عهده دهیاری‌ها گذاشته شده است (چوبچیان و دیگران، ۱۳۸۶: ۹۱). در حال حاضر ملاک صدور مجوز تأسیس دهیاری برای روستاهای کشور ملاک جمعیت و خانوار روستاست. بر اساس آخرین اطلاعات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های وزارت کشور در زمستان ۱۳۹۰، بیش از ۲۵ هزار دهیاری در سراسر کشور تشکیل شده‌اند و هم‌اکنون ۸۵ درصد جمعیت روستایی کشور تحت پوشش دهیاری‌ها قرار گرفته‌اند (imo.org.ir). به‌طور کلی، چالش مدیریت از جمله مشکلات برنامه‌ریزی برای توسعه روستایی طی چندین دهه اخیر در ایران بوده است و اگرچه با تشکیل و فعالیت نهاد دهیاری، به‌عنوان آخرین اقدام صورت گرفته در این زمینه، انتظار می‌رود که این چالش تا اندازه زیادی برطرف شود؛ اما این امر از سویی در گرو شفافیت و تحدید اهداف و وظایف این نهاد و برخورداری از سازوکارهای مالی و اجرایی لازم برای عملی کردن آنهاست و از سویی نیز نیازمند مشارکت فعال و همکاری متقابل جامعه روستایی و دیگر نهادهای اجتماعی روستایی است. در این راستا و با توجه به نوپا بودن این نهاد، ارزیابی عملکرد چندساله و آگاهی از نقاط قوت و ضعف آن؛ بویژه از سوی جامعه روستایی اقدامی ضروری برای آینده فعالیت دهیاری‌ها به نظر می‌رسد. هدف پژوهش حاضر ارزیابی عملکرد دهیاران بخش مرکزی شهرستان روانسر از دیدگاه این جامعه روستایی و تحلیل آن با توجه به اهداف و وظایفی است که در قانون دهیاری‌ها گنجانده شده است.

با توجه به سابقه کم تأسیس دهیاری‌ها در روستاهای کشور، مطالعات نسبتاً کمی درباره عملکرد آنها انجام گرفته است که در ادامه به مواردی از آنها اشاره می‌کنیم. قدیری معصوم و ریاحی (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای با عنوان «محورها و چالش‌های مدیریت روستایی در ایران» نتیجه‌گیری کرده‌اند که راهبرد مدوّن انتقال صحیح مدیریت روستایی به شوراهای اسلامی و دهیاری‌ها می‌تواند گام مهمی در تمرکززدایی از جنبه‌های سیاسی و اجتماعی توسعه روستاها باشد. مهدوی و نجفی کانی (۱۳۸۴) در مطالعه خود در رابطه با دهیاری‌های استان آذربایجان غربی به این نتیجه رسیده‌اند که بهترین عملکرد این دهیاری‌ها مربوط به ساماندهی اوضاع فیزیکی و کالبدی منطقه بوده و برای کاهش نقاط ضعف

عملکردی آنها نیز نظارت عالی استانداری، اختصاص بودجه بیشتر، برگزاری دوره‌های آموزشی مرتبط با وظایف دهیاری‌ها و غیره راهکارهای مناسبی به نظر می‌رسند. نعمتی و بدری (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای با هدف ارزیابی نقش کارکردی نظام نوین مدیریت روستایی و مقایسه تطبیقی دهیاری‌های فعال در روستاهای کوچک و بزرگ استان گلستان با این نتیجه رسیده‌اند که در صورت وجود ساختارهای مناسب تشکیلاتی و اداری میزان موفقیت دهیاری‌ها بیشتر خواهد شد و اعطای کمک‌های دولتی و حمایت‌های اداری و مالی (دست‌کم در آغاز راه) می‌تواند به بقا و ادامه حیات دهیاری‌ها کمک کند. به علاوه، دهیاری‌ها در روستاهای بزرگ به مراتب بهتر از روستاهای کوچک عمل کرده‌اند و می‌توان دریافت که جمعیت ملاک مؤثری برای موفقیت دهیاری‌ها محسوب می‌شود. چوپچیان و دیگران (۱۳۸۶) نیز عوامل مؤثر بر عملکرد دهیاری‌های استان گیلان را بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که متغیر همکاری سازمان‌ها و پس از آن رضایت شغلی دهیار و همکاری شورای اسلامی روستا بیشترین تأثیر را بر عملکرد دهیاری‌ها داشته‌اند و همچنین، تفاوت بین عملکرد دهیاران با سطوح تحصیلات مختلف معنادار است. لهسایی‌زاده (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای با عنوان «مدیریت روستایی در ایران معاصر» به این مطلب مهم اشاره می‌کند که اگرچه حفظ نظم روستایی در دوره‌های گذشته مشکلات خاص خود را داشته، امروزه نیز روستاهای ایران با وجود نهادهای رسمی از خلأ مدیریتی رنج می‌برند و آنچه می‌تواند راه‌حل این معضل اجتماعی باشد، پیوند زدن نهاد کنترل روستایی مردمی با ساختار رسمی جامعه است. در مطالعه دیگری با هدف بررسی نقش مدیریت جامعه محلی در کاهش فقر و توسعه پایدار روستایی در ایران، دو عامل سازماندهی و کنترل دارای بیشترین نقش و تأثیر تشخیص داده شده‌اند (Rashidpour et al., 2011). در مطالعه تطبیقی از طریق مردم بومی برای تأمین خدمات اساسی نیز این نتیجه حاصل شده است که اردنی‌ها نسبت به آمریکایی‌ها دیدگاه مثبت‌تری درباره مدیریت محلی دارند.

مبانی نظری

توسعه روستایی فرآیند توانمندسازی و ارتقای کیفیت زندگی، کیفیت محیط و کارایی اقتصادی نواحی روستایی بوده (Holand et al., 2003: 7) و مفهومی چندبخشی در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که با توجه به اهمیت آن همواره مورد توجه برنامه‌ریزان بوده است. به عبارتی، توسعه پایدار روستایی فرآیندی شامل تغییرات تأثیرگذار بر نظام‌های روستایی و مفهومی برآمده از روابط دینامیکی پیچیده بین محیط، اجتماع و اقتصاد است (Cirella & Tao, 2020: 279). رشد اقتصادی، بهبود شرایط اجتماعی، حفاظت از ارزش‌های طبیعی همگی به‌طور یکسان از ویژگی‌های مهم توسعه پایدار روستایی است که باید از طریق رویکرد پایین به بالا و استفاده پایدار و مشارکتی از منابع محلی حاصل شود (Pugliese, 2001: 113). مشارکت در توسعه پایدار روستایی از طریق ایجاد تشکل‌های محلی، یکی از اندیشه‌های کارساز برای توسعه به‌شمار می‌رود که باعث می‌شود جامعه‌ای بتواند خودش را در این راستا سازماندهی کند (Lowe, 1999: 14). مدیریت، زیرساخت و برنامه سه عنصر مهم مدیریت روستایی در دستیابی به اهداف عمده آن؛ یعنی کاهش چشمگیر مهاجرت‌های روستایی، از بین بردن شکاف اقتصادی اجتماعی بین شهر و روستا، توسعه کشاورزی و کاهش فقر گسترده روستایی هستند (Sayahi kashi, 2004: 159 و Wenchang, 2008: 77). مدیران

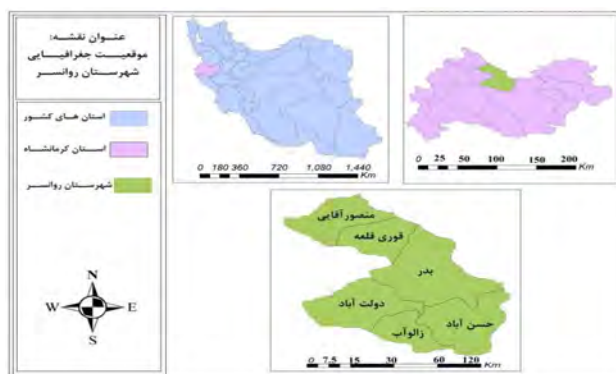
روستایی از طریق هدایت و ظرفیت‌سازی در جوامع روستایی قادر به پیاده‌سازی توسعه پایدار در روستاها در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی هستند (Tanguay, 2010: 408). هدف از مدیریت اقتصادی در محیط روستا تأمین سرمایه، ایجاد زمینه اشتغال، کارآفرینی، تأمین بازار برای فروش کالاها و خدمات تولیدی و تأمین منابع لازم و غیره برای توسعه روستایی، در بعد زیست-محیطی، ایجاد زمینه برای بهره‌گیری بهینه، مناسب و به‌اندازه از محیط طبیعی (رکن‌الدین افتخاری و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۲) و در بعد اجتماعی نیز ایجاد زمینه مناسب برای توسعه انسانی، تسهیل دستیابی کلیه افراد به الگوهای مطلوب یک زندگی با در نظر گرفتن استعدادها بالقوه محیط زیست آنهاست (افراخته، ۱۳۸۸: ۳۸). برای دستیابی به تصویری از چگونگی پیشرفت برنامه‌ها و در نتیجه آن اتخاذ تصمیم‌های لازم و مناسب برای بهبود فعالیت‌ها و نیل به اهداف مورد نظر، نظارت و ارزیابی از عناصر کلیدی و ضروری در هر فرآیند برنامه‌ریزی به‌شمار می‌روند. مدیریت روستایی در سطح کلان به مفهوم اداره امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی روستاها طی دوران‌های گذشته دگرگونی‌های بسیاری را تجربه کرده و از تأثیر تحولات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی جامعه نیز برکنار نمانده است (کریمی، ۱۳۸۶: ۴۴)؛ تا در نهایت امروزه شاهد حضور تشکیلات حکومتی برای ساماندهی امور روستاییان به‌جای مدیریت سنتی مالک و کدخدا در روستاها هستیم. این تحولات را در گذر زمان می‌توان به‌طور کلی در پنج مرحله تا پیش از مشروطیت، از مشروطیت تا جنگ جهانی دوم، از جنگ جهانی دوم تا اصلاحات ارضی، از اصلاحات ارضی تا انقلاب ۵۷ و از آن زمان تاکنون بررسی نمود. عناصر و ویژگی‌های غالب مدیریت‌های پیچیده و چندبعدی پیشین را می‌توان مواردی چون: داخلی بودن عوامل مدیریت، تأمین هزینه‌ها توسط ساکنان، روابط استثماری بین مالک و زارع و عقب‌ماندگی علمی-فنی جامعه روستایی برشمرد (طالب، ۱۳۷۶: ۵ و ایمانی جاجرمی، ۱۳۷۳: ۴۶). پس از جنگ جهانی دولت‌ها بتدریج سعی در دخالت در امور روستاها داشته و با تصویب برنامه‌هایی فعالیت‌هایی را در چهارچوب عملیات عمرانی و ارتقای سطح زندگی روستاییان انجام می‌داده‌اند، ولی مدیریت مانند سابق در دست مالکان و عوامل آنها بوده است (طالب، ۱۳۷۶: ۸۱). پس از اصلاحات ارضی به‌طور خلاصه می‌توان گفت که دخالت دولت در روستاها ارکان سنتی اداره امور عمومی را از هم پاشید؛ اما تشکیلات دولتی جدید نیز هیچ‌گاه پایگاه استواری بر ای فعالیت نیافتند. جامعه روستایی هم به‌دلیل سلطه درازمدت نظام ارباب-رعیتی آمادگی لازم برای پذیرفتن الگوهای نوین مدیریت روستایی را نداشت (ایمانی جرجامی و عبدالهی، ۱۳۸۸: ۲۳۸). پس از انقلاب اسلامی سال ۵۷ و انحلال مؤسسات دولتی خلاء مدیریتی موقتی در روستاها به وجود آمد تا اینکه با تشکیل نهادهای جهاد سازندگی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ زمینه ارتباط با روستاها فراهم شد. در سال ۱۳۶۱ با تصویب قانونی مدیریت روستایی به شوراهای اسلامی روستا واگذار شد (افراخته، ۱۳۸۸: ۱۰۵)؛ ولی در این قانون به مقام اجرایی مدیریت روستا توجهی نشده و مدیران سازوکار اجرایی مشخصی در اختیار نداشتند. طبق قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشوری در سال ۱۳۷۵ مدیریت روستایی همچنان بر عهده شورای اسلامی است و مسؤولیت اجرایی مدیریت روستایی بر عهده مقامی با عنوان دهیار گذاشته شد (ایمانی جرجامی و عبدالهی، ۱۳۸۸: ۲۳۸). مشکلات اجرایی مدیریت روستایی سبب شد در سال ۱۳۷۷ با تصویب قانون تأسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاهای کشور به وزارت کشور اجازه داده می‌شود به منظور اداره امور روستاها، سازمان دهیاری را با توجه به موقعیت محل و با درخواست اهالی و به صورت خودکفا با شخصیت حقوقی مستقل در روستاها تأسیس کند (اکبری و عبدالهی، ۱۳۹۰: ۱۵۸). با اصلاح قانون وظایف، تشکیلات و

انتخابات شورای اسلامی در سال ۱۳۸۲ و راه‌اندازی دهیاری‌ها تجربه اجرایی جدیدی در عرصه مدیریت روستایی شکل گرفت (چوبچیان و دیگران، ۱۳۸۶: ۹۱). ارزیابی و سنجش عملکرد دهیاران به‌عنوان مدیران روستایی نیز یکی از موضوع‌هایی است که با هدف تعیین میزان پیشرفت اموری که به‌عنوان وظایف آنها تعریف شده و همچنین، میزان رضایت جامعه روستایی از عملکرد آنان صورت می‌گیرد. با توجه به کارکردها و وظایف مهمی که مدیریت روستایی به رهبری شوراهای اسلامی و همکاری اجرایی دهیاران بر عهده دارد، بی‌توجهی به چگونگی انجام این امور می‌تواند عواقب ناگواری برای روستاها و به‌تبع آن کشور در پی داشته باشد. بنابراین، ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در زمینه مدیریت یکپارچه روستایی و بررسی و تحلیل میزان موفقیت و عدم موفقیت آنها دارای اهمیت فراوان است و می‌تواند با نشان دادن مشکلات و تنگناهای عملکردی، راهگشای بسیاری از مشکلات روستاها بوده و در جهت رفع نواقص و مشکلات این نهاد نوپا مؤثر واقع گردد.

داده‌ها و روش پژوهش

معرفی مختصر منطقه مورد مطالعه

شهرستان روانسر در $20^{\circ} 46'$ تا $53^{\circ} 46'$ طول شرقی و $32^{\circ} 34'$ تا 35° عرض شمالی با ارتفاع متوسط ۱۳۸۰ متر از سطح دریا و در فاصله ۶۰ کیلومتری غرب شهر کرمانشاه واقع شده است. این شهرستان از شرق و جنوب شرقی به شهرستان کرمانشاه، از شمال شرقی به شهرستان کامیاران، از شمال به ارتفاعات شاهو، از غرب به شهرستان‌های پاوه و جوانرود و از جنوب به شهرستان دالاهو محدود می‌گردد. این شهرستان دارای دو بخش مرکزی و شاهو، دو شهر روانسر و شاهو، شش دهستان بدر، حسن‌آباد، دولت‌آباد، زالوآب (در بخش مرکزی) و قوری‌قلعه و منصورآقایی (در بخش شاهو) و ۱۵۳ آبادی دارای سکنه است. از جمعیت ۴۵۳۲۴ نفری شهرستان، ۶۳/۵ درصد در نقاط روستایی و ۳۳/۵ درصد در نقاط شهری سکونت دارند. بخش مرکزی این شهرستان با ۲۰۴۹۵ نفر جمعیت مجموعاً ۱۲۶ آبادی را در برمی‌گیرد که از این تعداد ۷۴ روستا (۵۸/۷ درصد) تحت پوشش نهاد مدیریتی دهیاری قرار دارند (معاونت برنامه‌ریزی استانداری کرمانشاه، ۱۳۸۶). شایان ذکر است که این میزان با ۴ مورد انحلال، به ۷۰ مورد در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است. شکل شماره (۱) موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه را در سلسله‌مراتب تقسیمات کشوری نشان می‌دهد.



شکل (۱) موقعیت جغرافیایی شهرستان روانسر در سلسله‌مراتب تقسیمات کشوری

داده‌ها، ابزار گردآوری و متغیرهای پژوهش

داده‌های مورد نیاز از طریق عملیات میدانی و به کمک ابزار پرسشنامه و مصاحبه جمع‌آوری گردید. از آنجایی که هدف اصلی پژوهش ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها از دیدگاه مردم روستایی است، پرسشنامه مزبور بر اساس اهداف و وظایف مطرح در قانون دهیاری‌ها طراحی و مطابق جدول شماره ۱ به‌طور تصادفی در نمونه‌ای به حجم ۱۴۲ نفر در بین پرجمعیت‌ترین روستاهای نمونه، بر اساس اصل تسهیم به نسبت تکمیل گردید. محتوای پرسشنامه دربرگیرنده چهار زیرگروه ارزیابی از عملکرد اقتصادی، عملکرد اجتماعی-فرهنگی، عملکرد خدماتی و عملکرد مدیریتی دهیاری‌هاست. گویه‌ها و متغیرهای پردازش‌شده نهایی تحقیق، همراه با سنجش اعتبار و توصیف اولیه آنها در جدول شماره ۲ گزارش شده‌اند. شایان ذکر است تمامی گویه‌ها در قالب طیف پنج‌قسمتی لیکرت و هر کدام از گویه‌ها یا متغیرهای ترکیبی نیز به‌صورت میانگین گویه‌ها و سؤال‌های مربوطه به‌دست آمده‌اند.

روش پژوهش؛ مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM)

SEM^۱ یک رویکرد آماری جامع برای آزمون فرضیه‌هایی درباره روابط بین متغیرهای مشاهده شده و پنهان است که گاه تحلیل ساختاری کواریانس یا مدلیابی علی نیز نامیده می‌شود. متغیر پنهان متغیری است که به‌طور مستقیم اندازه‌گیری نمی‌شود، بلکه با استفاده از دو یا تعداد بیشتری از متغیرهای مشاهده‌شده در نقش معرف سنجش می‌شود؛ برای مثال، در تحلیل حاضر، چهار مؤلفه ارزیابی عملکرد اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، خدماتی و مدیریتی و نیز خود متغیر اصلی ارزیابی کلی عملکرد دهیاری‌ها، چون هیچ کدام به‌طور مستقیم اندازه‌گیری نمی‌شوند و قابل اندازه‌گیری مستقیم هم نیستند، لذا به عنوان متغیرهای پنهان در نظر گرفته می‌شوند و در مقابل سؤال‌ها و گویه‌های منفرد یا ترکیبی‌ای که مستقیماً مورد پرسش قرار گرفته و سنجیده شده‌اند (X_1 تا X_{18})، به عنوان معرف‌ها یا متغیرهای مشاهده‌شده در نظر گرفته می‌شوند. مدل‌های معادله ساختاری به‌طور معمول ترکیبی از مدل‌های اندازه‌گیری و مدل‌های ساختاری‌اند. بر مبنای مدل‌های اندازه‌گیری، مشخص می‌شود که کدام متغیرهای مشاهده‌شده یا معرف‌ها اندازه‌گیرنده کدام متغیرهای پنهان هستند و مدل‌های ساختاری نیز مشخص می‌کنند که کدام یک از متغیرهای مستقل دارای تأثیر بر کدام متغیرهای وابسته‌اند و یا کدام متغیرها با یکدیگر همبسته‌اند. متغیرهای مشاهده‌شده نیز که در نقش معرف در مدل اندازه‌گیری هستند، همراه با خطای اندازه‌گیری در نظر گرفته می‌شوند. این متغیرهای خطا نیز چون مستقیماً اندازه‌گیری نمی‌شوند، در واقع نوعی متغیر پنهان هستند. خطاها نشان‌دهنده همه متغیرهایی است که معرف، غیر از متغیر پنهان اندازه‌گیری می‌کند و در واقع نمودی از ناتوانی متغیرهای مستقل حاضر در مدل در تبیین متغیر وابسته هستند (قاسمی، ۱۳۸۹ و هومن، ۱۳۸۴). این تحلیل متکی بر این فرض است که ایده و اندیشه‌ای درباره متغیرهای پنهان وجود دارد و بنابراین، راهی برای یافتن معرف‌ها یا نشانگرها نیست. به این ترتیب SEM این مطلب را که آیا معرف‌هایی که برای متغیر پنهان انتخاب شده، واقعاً معرف آن هستند یا نه، می‌آزماید و مشخص می‌کند که معرف‌های انتخابی با چه دقتی معرف یا برازنده متغیر پنهان هستند. همچنین، برای بهبود برازش معرف‌ها با متغیر پنهان نیز راه‌هایی را پیشنهاد می‌کند. بنابراین، در مدل اندازه‌گیری

۱- Structural Equation Modeling (SEM)

تناسب معرف‌ها برای متغیر پنهان از طریق تحلیل عاملی تأییدی^۲ (CFA) آزمون می‌شود و در مدل ساختاری نیز معرف‌ها و متغیر پنهان از راه‌های منطقی با هم مرتبط می‌شوند. به این ترتیب، به ازای هر متغیر پنهان یک مدل اندازه‌گیری وجود خواهد داشت. درونداد این تحلیل معمولاً ماتریس کوواریانس متغیرهای مشاهده شده است. نتایج حاصل علاوه بر برآورد پارامترها، شامل خطای استاندارد و مشخصه‌های آزمون برای هر یک از پارامترهای آزاد موجود در مدل نیز خواهد بود (قاسمی، ۱۳۸۹ و هومن، ۱۳۸۴). اساس تمامی محاسبات و برآوردها در رویکرد SEM به ماتریس کوواریانس‌های بین متغیرهای مشاهده شده و ترکیب‌زدایی این کوواریانس‌ها برمی‌گردد. بر این اساس و با استفاده از پارامترهای برآورد شده می‌توان مجدداً ماتریس کوواریانس مشاهده شده را بازتولید کرد.

یافته‌های پژوهش

توصیف جامعه و نمونه آماری

مختصری از اطلاعات مربوط به منطقه مورد مطالعه، همچنین توصیف دموگرافیکی و برخی از متغیرهای زمینه‌ای مربوط به نمونه آماری مطالعه در جدول شماره ۱ گزارش شده است.

جدول ۱) ویژگی‌های توصیفی جامعه و نمونه آماری

موقعیت جغرافیایی					ویژگی‌های نمونه
دهستان زالوآب	دهستان دولت‌آباد	دهستان حسن‌آباد	دهستان بدر	کل (بخش مرکزی)	
۲۹	۳۰	۲۸	۲۹	۱۲۶	تعداد روستا
۴۲۱۴	۴۰۲۱	۵۹۲۲	۶۴۷۸	۲۰۶۳۵	تعداد جمعیت
۴	۲۲	۲۵	۲۳	۷۴	روستاهای دارای دهیاری
۳	۳	۳	۳	۱۲	روستاهای نمونه
۳۵	۲۷	۳۸	۴۲	۱۴۲	کل
۲۹	۱۶	۲۹	۳۸	۱۱۲	مرد
۶	۱۱	۹	۴	۳۰	زن
۲۶/۲	۳۰/۶۲	۲۶/۱۷	۲۹/۵	۲۷/۸	سن (میان سن)
دیپلم	دیپلم	دیپلم	سیکل	دیپلم	تحصیلات (میان سطح سواد)
۲/۶۸	۳/۲۶	۲/۵۵	۲/۶۹	۲/۷۶	متوسط میزان آشنایی با وظایف دهیاری
۲/۹۱	۲/۱۴	۲/۴۷	۲/۲۳	۲/۴۵	متوسط ارزیابی کلی از موفقیت دهیاری

همان‌گونه که از محتوای جدول قابل مشاهده است، میان سن پاسخگویان تقریباً زیر ۳۰ سال است که نشان‌دهنده جوان بودن نمونه آماری است و متوسط سطح سواد آنها نیز در حد دیپلم است. به علاوه، نمونه مورد مطالعه، میزان آشنایی خود را با وظایف دهیاری‌ها و همچنین، موفقیت این نهاد را در انجام این وظایف، در حدی پایین‌تر از متوسط ارزیابی نموده‌اند. با این حال، نکته شایان توجه در این جدول این است که بیشترین میزان آشنایی با وظایف دهیاری‌ها مربوطه به پاسخگویان دهستان دولت‌آباد است (۳/۲۶) که بزرگترین میان سن (۳۰/۶۲) را نیز دارند و همزمان کمترین میزان ارزیابی از موفقیت دهیاری‌ها نیز (۲/۱۴) متعلق به همین گروه است. در مقابل، پاسخگویان دهستان حسن‌آباد که کوچکترین میان سن (۲۶/۱۷) را دارند، دارای کمترین میزان آشنایی با وظایف دهیاری‌ها (۲/۵۵) بوده و همزمان بیشترین میزان ارزیابی از موفقیت دهیاری‌ها (۲/۴۷) را نیز در مقایسه با بقیه دارند. به عبارت دیگر، هرچه سن پاسخگویان

2- Confirmatory Factor Analysis (CFA)

بالا تر بوده، آشنایی خود را با وظایف دهیاری‌ها بیشتر و موفقیت آنها را در انجام این وظایف کمتر ارزیابی نموده‌اند و در مقابل پاسخگویان کم‌سن‌تر، آشنایی خود را با وظایف دهیاری‌ها کمتر و موفقیت آنها را در انجام این وظایف بیشتر دانسته‌اند.

توصیف متغیرهای مشاهده‌شده^۳ (معرف‌ها)

پیش از پرداختن به مدل‌های اندازه‌گیری زیرمقیاس‌های چهارگانه ابعاد ارزیابی عملکرد بر اساس متغیرهای مشاهده‌شده و نیز مدل ساختاری ارزیابی کلی عملکرد بر اساس ابعاد چهارگانه، ابتدا به توصیف آماری متغیرهای مشاهده‌شده و نحوه پردازش آنها می‌پردازیم. جدول شماره ۲ خلاصه‌ای از آماره‌های توصیفی متغیرهای اولیه و مؤلفه‌های چهار زیرمقیاس سنجش ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها را همراه با نتایج اعتبارسنجی اولیه آنها بر اساس آزمون آلفای کرونباخ نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که میانگین هیچ کدام از گویه‌ها به مقدار متوسط طیف (۳) هم نمی‌رسد که نشان‌دهنده ضعف عملکرد دهیاری‌ها از دیدگاه جامعه روستایی است. با وجود این، در میان ابعاد چهارگانه ارزیابی عملکرد، بیشترین میانگین به ترتیب مربوط به عملکردهای مدیریتی، خدماتی، اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی است. این امر بیانگر آن است که نهاد دهیاری، به جهت ماهیت و عملکرد، بیش از آنکه نهادی اجرایی باشد، حداکثر می‌تواند نقش مدیریتی در روستاها داشته باشد و ضعف بنیه و ساختار اجازه ایفای نقش‌های مؤثر اجرایی و بویژه اقتصادی را در حال حاضر به آن نمی‌دهد.

جدول ۲) توصیف گویه‌ها و متغیرهای نهایی (معرف‌های مشاهده‌شده) زیرمقیاس‌های ارزیابی عملکرد

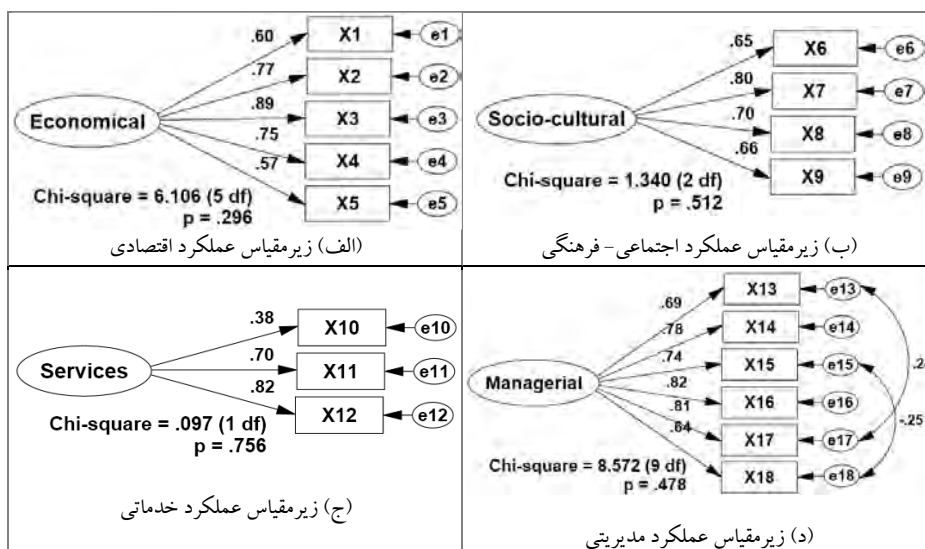
متغیرها و شاخص‌های سنجش شده (معرف‌های مشاهده‌شده)			زیرمقیاس‌های ارزیابی عملکرد	
α کرونباخ	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها (نام و ترکیب)	عملکرد
۰/۷۷	۰/۴۵	۱/۳۶	فعالیت‌های مختلف پیرامون توسعه کشاورزی؛ ترکیب ۹ گویه	x_1
	۰/۶۳	۱/۳۵	ایجاد و توسعه کارگاه‌های تولیدی؛ ترکیب دو گویه	x_2
	۰/۷۱	۱/۴۶	ایجاد و توسعه فرصت‌های شغلی؛ ترکیب دو گویه	x_3
	۰/۶۷	۱/۴۲	فراهم کردن زمینه‌های سرمایه‌گذاری؛ ترکیب دو گویه	x_4
	۰/۵۴	۱/۳۱	کمک به تشکیل انواع شرکت‌های تعاونی؛ ترکیب دو گویه	x_5
۰/۸۲	۱/۰۷	۱/۸۵	حفظ آثار تاریخی و میراث فرهنگی؛ ترکیب دو گویه	x_6
	۱/۰۴	۱/۸۱	برپایی کلاس‌های آموزشی و عقیدتی؛ ترکیب دو گویه	x_7
	۱/۰۸	۱/۹۷	برگزاری و برپایی مراسم، جشن‌ها و آیین‌های محلی	x_8
	۱/۱۵	۲/۴۵	رسیدگی به امور جانبی مدارس، معلمان و مدیران	x_9
۰/۸۳	۱/۰۹	۲/۰۱	کمک به اجرای طرح‌های عمرانی و فرهنگی	x_{10}
	۱	۱/۹۶	فراهم کردن خدمات رفاهی مختلف؛ ترکیب سه گویه	x_{11}
	۱/۲۵	۲/۶۳	خدمات بهداشتی و همکاری با خانه بهداشت؛ ترکیب دو گویه	x_{12}
۰/۷۸	۱/۳۱	۲/۵۴	هماهنگی، هم‌فکری و همکاری با شورا؛ ترکیب دو گویه	x_{13}
	۱/۱۶	۲/۱۷	برقراری و حفظ امنیت عمومی در روستا	x_{14}
	۱/۳۸	۲/۵۲	آشنایی با مشکلات و توانایی برای رفع آنها؛ ترکیب دو گویه	x_{15}
	۱/۱۶	۲/۴۱	تلاش برای حل اختلافات و دعاوی مردم؛ ترکیب دو گویه	x_{16}
	۱/۲۵	۲/۲۹	مشورت با مردم و فراهم کردن زمینه مشارکت آنها	x_{17}
	۱/۳۴	۲/۵۹	تلاش برای حفظ محیط زیست روستا؛ ترکیب سه گویه	x_{18}

پس از توصیف گویه‌ها به‌عنوان متغیرهای مشاهده‌شده، ادامه این بخش به مدل‌سازی‌های ساختاری زیرمقیاس‌های چهارگانه و نهایتاً مقیاس کلی ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در جامعه مورد مطالعه می‌پردازد. هدف اصلی در این قسمت این است که ببینیم آیا با توجه به ساختار داده‌ها و رابطه بین متغیرهای مشاهده‌شده، می‌توان مدل معتبری برای سنجش عملکرد دهیاری‌ها مطابق تقسیم‌بندی نظری ارائه شده در جدول شماره ۲ پیشنهاد کرد و اگر چنین است، نقش و تأثیر هر کدام از متغیرهای فوق در این زمینه چه اندازه و چگونه است.

تحلیل مدل‌سازی معادلات ساختاری

مدل‌های اندازه‌گیری: تحلیل عاملی تأییدی و سنجش اعتبار مقیاس‌ها

ابتدا چهار مدل تحلیل عاملی تأییدی (CFA) یک عاملی برای ایجاد و سنجش اعتبار چهار زیرمقیاس ابعاد اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، خدماتی و مدیریتی، به‌عنوان مؤلفه‌های ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در محیط نرم‌افزار Amos Graphics ترسیم و تحلیل شدند.



شکل ۲) برآوردهای استاندارد مدل‌های عاملی تأییدی برای اعتبارسنجی مقیاس‌های چهارگانه سنجش عملکرد

شکل شماره ۲ نمودارهای مسیر این چهار مقیاس را براساس معرف‌ها یا متغیرهای مشاهده‌شده مربوطه (جدول شماره ۲)، همراه با برآوردهای استاندارد ضرایب مسیر رگرسیونی، شاخص کای اسکوئر و سطح معنی‌داری آن نشان می‌دهد. جدول شماره ۳ نیز این برآوردهای استاندارد ضرایب مسیر، همراه با نسبت‌های بحرانی، خطای استاندارد (SE) و سطح معنی‌داری (P-value) آنها را نشان می‌دهد.

جدول ۳) برآوردهای استاندارد و سطح معنی داری بارهای عاملی گویه‌های زیرمقیاس‌های ارزیابی عملکرد

متغیرها و شاخص‌های سنجش شده (معرف‌های مشاهده شده)				زیرمقیاس‌های ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها
سطح معنی داری	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	وزن رگرسیونی	
			۰/۵۹۶	X_1 فعالیت‌های مختلف پیرامون توسعه کشاورزی
۰/۰۰	۰/۲۶۴	۶/۹	۰/۷۶۶	X_2 ایجاد و توسعه کارگاه‌های تولیدی
۰/۰۰	۰/۳۲۲	۷/۳۸	۰/۸۸۶	X_3 ایجاد و توسعه فرصت‌های شغلی
۰/۰۰	۰/۲۷۶	۶/۸	۰/۷۴۸	X_4 فراهم کردن زمینه‌های سرمایه‌گذاری
۰/۰۰	۰/۲۰۶	۵/۶	۰/۵۷	X_5 کمک به تشکیل انواع شرکت‌های تعاونی
			۰/۶۵	X_6 حفظ آثار تاریخی و میراث فرهنگی
۰/۰۰	۰/۱۷۳	۶/۸۶	۰/۷۹۶	X_7 برپایی کلاس‌های آموزشی و عقیدتی
۰/۰۰	۰/۱۶۸	۶/۵	۰/۷۰۳	X_8 برگزاری مراسم و جشن‌های محلی
۰/۰۰	۰/۱۷۵	۶/۲۷	۰/۶۶۱	X_9 رسیدگی به امور جانبی مدارس و معلمان
			۰/۳۸۳	X_{10} کمک به اجرای طرح‌های عمرانی و فرهنگی
۰/۰۰	۰/۴۳۳	۳/۸۵	۰/۶۹۸	X_{11} فراهم کردن خدمات رفاهی مختلف
۰/۰۰	۰/۶۰۸	۴/۰۱	۰/۸۱۸	X_{12} خدمات بهداشتی و همکاری با خانه بهداشت
			۰/۶۸۶	X_{13} هماهنگی، همفکری و همکاری با شورا
۰/۰۰	۰/۱۲۳	۸/۳۱	۰/۷۷۸	X_{14} برقراری و حفظ امنیت عمومی در روستا
۰/۰۰	۰/۱۴۶	۷/۹۴	۰/۷۳۹	X_{15} آشنایی با مشکلات و توانایی برای رفع آنها
۰/۰۰	۰/۱۲۵	۸/۶۲	۰/۸۲۳	X_{16} تلاش برای حل اختلافات و دعاوی مردم
۰/۰۰	۰/۱۱۵	۹/۸	۰/۸۰۶	X_{17} مشورت و فراهم کردن زمینه مشارکت مردم
۰/۰۰	۰/۱۴۳	۶/۸	۰/۶۴۱	X_{18} تلاش برای حفظ و بهبود محیط زیست روستا

مشاهده می‌شود که تمامی متغیرهای مشاهده شده دارای ضرایب تأثیر رگرسیونی مثبت و معنی داری با مقیاس‌های خود هستند و بزرگی این ضرایب (تأثیرات عاملی) نیز نسبتاً برای همه موارد در حد بالایی است. همان طور که ملاحظه می‌شود، در این جدول سطح معنی داری برای بارهای عاملی یا ضرایب رگرسیونی استاندارد چهار متغیر مشاهده شده X_1 ، X_6 ، X_{10} و X_{13} گزارش نشده است. این امر به این دلیل است که این متغیرها به ترتیب به عنوان متغیرهای مرجع (یا معرف‌های نشانگر) برای چهار متغیر پنهان ابعاد اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، خدماتی و مدیریتی ارزیابی عملکرد در نظر گرفته شده‌اند تا بدینوسیله بدون مقیاس بودن این متغیرهای پنهان و به عبارتی، بدون ریشه و واحد اندازه‌گیری بودن آنها برطرف شود (قاسمی، ۱۳۸۹). به همین دلیل است که در دیاگرام‌های مسیر اولیه برای برآوردهای غیر استاندارد ضرایب و واریانس‌ها و کوواریانس‌ها (که البته در اینجا این مدل‌های غیر استاندارد برای جلوگیری از افزایش زیاد حجم مقاله گزارش نشده‌اند)، روی پیکان‌های مربوط به مسیرهای بین این متغیرهای مشاهده شده با متغیر پنهان مربوط مقادیر ۱ به عنوان ضرایب غیر استاندارد در نظر گرفته می‌شوند تا مقیاس آنها همان مقیاس متغیرهای مشاهده شده مربوطه باشد. البته، معنی داری ضرایب این مسیرها نیز با توجه به مقادیر استاندارد آنها و مقایسه با ضرایب معنی دار دیگر محرز است. آخرین بخش از خروجی‌های تحلیل مدل‌های عاملی برای ارزیابی اعتبار مقیاس‌های ابعاد ارزیابی عملکرد، شاخص‌های برازش این مدل‌هاست. جدول شماره ۴ مقادیر برخی از مهم‌ترین شاخص‌های برازش چهار زیرمقیاس ابعاد اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، خدماتی و مدیریتی را همراه با مقادیر معیار آنها برای تصمیم‌گیری نشان می‌دهد.

جدول ۴) شاخص‌های برازش مدل‌های اندازه‌گیری زیرمقیاس‌های چهارگانه ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها

شاخص‌های برازش									مدل‌های اندازه‌گیری زیرمقیاس‌ها
RMSE A	PRATIO	CFI	NFI	GFI	RMR	Sig.	df	CMIN	
۰/۰۴	۰/۵	۰/۹۹	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۰۱	۰/۳	۵	۶/۱	ارزیابی عملکرد اقتصادی
۰	۰/۳۳	۱	۰/۹۸	۰/۹۹	۰/۰۲	۰/۵۱	۲	۱/۳۴	ارزیابی عملکرد اجتماعی فرهنگی
۰	۰/۳۴	۱	۱	۱	۰/۰۰۸	۰/۷۵	۱	۰/۰۹۷	ارزیابی عملکرد خدماتی
۰	۰/۶	۱	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۰۴	۰/۴۸	۹	۸/۵۷	ارزیابی عملکرد مدیریتی
< ۰/۰۵	۰ - ۱	> ۰/۹	> ۰/۹	> ۰/۹	≈ ۰	> ۰/۰۵	-	-	مقادیر معیار پیشنهادی*

* (Lai & Lin, 2008؛ هومن، ۱۳۸۴؛ قاسمی، ۱۳۸۹)

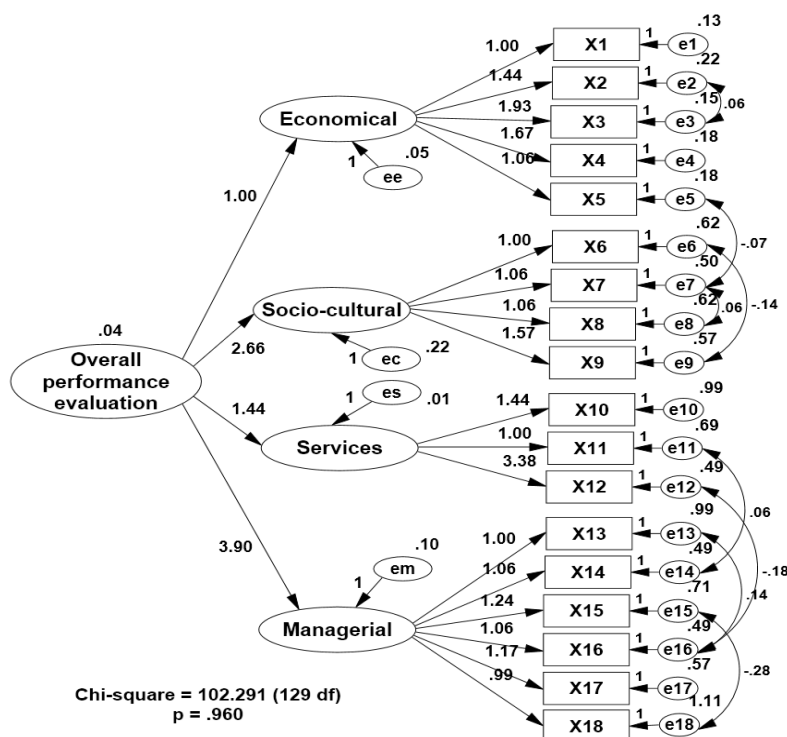
این شاخص‌ها در واقع معیارهایی برای تأیید مدل‌های نظری تدوین شده با استفاده از داده‌های گردآوری شده هستند. بی‌آنکه به مفهوم ضمنی هر کدام از شاخص‌های فوق پردازیم، تنها به این نکته بسنده می‌کنیم که این شاخص‌ها در سه گروه شاخص‌های برازش مطلق (CMIN یا کای اسکوتر، RMR: ریشه دوم مربعات باقیمانده و GFI: شاخص نیکویی برازش)، شاخص‌های برازش تطبیقی (NFI: شاخص نرمال‌شده بنتلر- بونت و CFI: برازش تطبیقی) و شاخص‌های برازش مقتصد (PRATIO: نسبت صرفه‌جویی و RMSEA: ریشه میانگین مربعات خطای برآورد) تقسیم‌بندی می‌شوند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، تمامی هفت شاخص فوق اعتبار و برازش بسیار خوب هر چهار مدل اندازه‌گیری را با داده‌های گردآوری شده تأیید می‌کنند. به این ترتیب، زمینه برای تدوین و ارزیابی مدل اصلی تحقیق فراهم است. مهم‌ترین شاخص از این میان شاید همان کای اسکوتر است که هرچه کوچکتر باشد، نشانه برازش بیشتر مدل با داده- هاست. مبنای محاسبه این شاخص تفاوتی است که بین ماتریس واریانس- کوواریانس نمونه‌ای حاصل از متغیرهای مشاهده‌شده^۵ و ماتریس واریانس- کوواریانس بازتولیدشده بر مبنای پارامترهای برآورد شده در مدل تدوین شده^۶ وجود دارد (قاسمی، ۱۳۸۹). ماتریس اول در واقع برآوردی از واریانس و کوواریانس‌های متغیرهای پژوهش در جامعه آماری مورد مطالعه تلقی می‌شود و ماتریس دوم برآوردی از ساختار واریانس- کوواریانس این متغیرها در یک جامعه آماری نامحدود است. بنابراین، بیشتر بودن سطوح معنی‌داری یا نزدیکی مقادیر کای اسکوتر از ۰/۰۵ (چه در مدل‌های اندازه‌گیری و چه در مدل‌های ساختاری) به معنی عدم تفاوت معنی‌دار یا نزدیکی مقادیر این دو ماتریس است و نشانه‌ای از مطلوبیت و اعتبار مدل تدوین شده بر مبنای داده‌های جمع‌آوری شده تلقی می‌شود.

مدل تحلیل عاملی تأییدی پنج عاملی مرتبه دوم برای تحلیل متغیر پنهان^۷ ارزیابی عملکرد

مدل نهایی سنجش و برآورد متغیر پنهان ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها به‌عنوان متغیر وابسته اصلی تحقیق براساس چهار مؤلفه عملکرد اقتصادی، عملکرد اجتماعی- فرهنگی، عملکرد خدماتی و عملکرد مدیریتی، که خود نیز به‌عنوان چهار مقیاس پنهان و براساس هجده متغیر مشاهده شده متشکل از گویه‌های مختلف در قسمت قبل برآورد و اندازه‌گیری

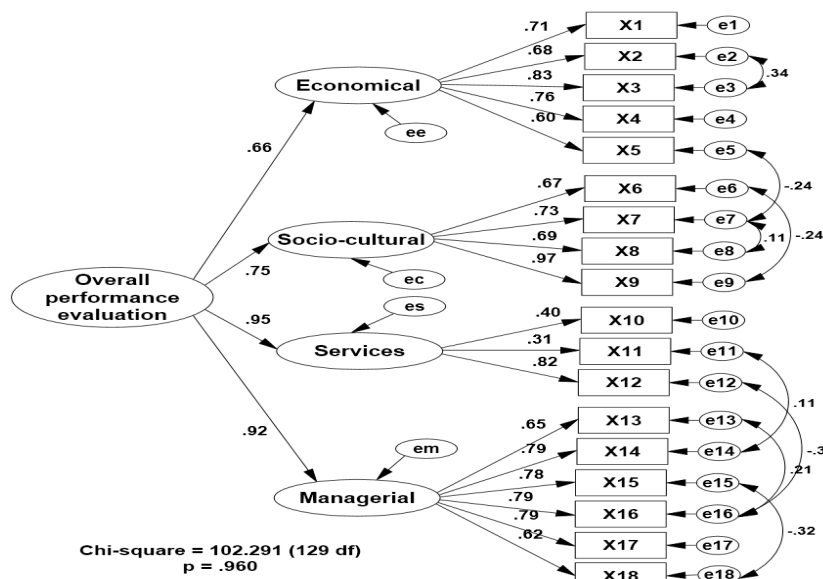
5-sample moment
6 - implied moment
7- latent variable

شدند، در محیط Amos Graphics تدوین شد. شکل شماره ۳ این مدل را که یک مدل تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم با پنج عامل است، همراه با برآوردهای غیراستاندارد ضرایب مسیر و واریانس‌های پنهان نشان می‌دهد. همان‌گونه که در شکل دیده می‌شود، چندین برآورد کوواریانس خطا نیز برای بهبود بیشتر شاخص‌های برازش مدل به‌عنوان یک پارامتر آزاد در نظر گرفته شده‌اند که هیچ‌گونه مفهوم نظری نیز ندارند. این بار نیز برآورد واریانس‌های خطا و نیز کوواریانس‌های تعریف شده بین خطاها کوچک هستند و بعلاوه واریانس‌های متغیرهای پنهان خطا و نیز متغیرهای پنهان اصلی نیز در همه موارد مقادیری مثبت هستند که خود دلیلی بر اعتبار مدل است. به‌طور کلی، هرچه واریانس مشترک بین یک متغیر پنهان با یک متغیر مشاهده شده بیشتر باشد، از خطای اندازه‌گیری آن کاسته می‌شود.



شکل ۳) مدل ساختاری تحلیل پنج عاملی تأییدی مرتبه دوم برای برآورد و تحلیل ارزیابی عملکرد همراه با برآوردهای غیراستاندارد

در ادامه، ضرایب استاندارد مسیر بین متغیرهای پنهان با یکدیگر و متغیرهای مشاهده شده با متغیرهای پنهان را که در واقع قسمت اصلی و مهم تمامی تحلیل‌های انجام شده است، به‌جای آنکه در قالب جدول (مانند جدول ۳) بیاوریم، مجدداً روی شکل شماره ۴ نشان می‌دهیم تا اهمیت و بویژه امکان مقایسه آنها بهتر فراهم باشد.



شکل ۴) برآوردهای استاندارد ضرایب مسیر در مدل ساختاری نهایی ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها

همان طور که ملاحظه می‌شود، تمامی ضرایب مسیر استاندارد بجز یکی دو مورد مقادیر بالایی را نشان می‌دهند و این امر در رابطه با بارهای عاملی متغیرهای مشاهده شده زیرمقیاس‌های اقتصادی، مدیریتی و اجتماعی - فرهنگی از شدت بیشتری در مقایسه با زیرمقیاس خدماتی برخوردار است. به طور کلی، با حذف اثرهای خطاهای اندازه‌گیری در رویکرد معادلات ساختاری، ضریب تأثیرپذیری ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها از چهار مؤلفه عملکرد خدماتی، مدیریتی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی و به عبارتی، ضرایب همبستگی بین ارزیابی عملکرد و هر کدام از چهار مؤلفه فوق، به ترتیب برابر با ۰/۹۵، ۰/۹۲، ۰/۷۵ و ۰/۶۶ به دست آمده است. مراجعه به برآوردهای خطای استاندارد، نسبت‌های بحرانی و سطوح معنی‌داری نیز نشان می‌دهد که تمامی این برآوردهای استاندارد در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار هستند. نهایتاً شاخص‌های برازش این مدل نیز همراه با مقادیر معیار پیشنهاد شده برای ارزیابی آنها، در جدول شماره ۵ آمده است.

جدول ۵) آزمون مدل ساختاری نهایی ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها از روی مقیاس‌های چهارگانه و متغیرهای مشاهده شده آنها

شاخص‌های برازش									مدل ساختاری نهایی
RMSEA	PRATIO	CFI	NFI	GFI	RMR	Sig.	df	CMIN	ارزیابی عملکرد
۰	۰/۸۴	۱	۰/۹۲	۰/۹۳	۰/۰۵۳	۰/۹۶	۱۲۹	۱۰۲/۳	مقادیر تجربی مدل
<۰/۰۵	۰-۱	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	≈۰	>۰/۰۵	-	-	مقادیر معیار پیشنهادی*

* (Lai & Lin, 2008؛ هومن، ۱۳۸۴؛ قاسمی، ۱۳۸۹)

مقدار کای اسکور این مدل در مقایسه با مدل‌های اندازه‌گیری پیشین بیشتر شده است. این امر ناشی از تفاوت بیشتر ماتریس واریانس- کوواریانس بازتولید شده براساس پارامترهای برآورد شده با ماتریس واریانس- کوواریانس مشاهده شده در این مدل در مقایسه با مدل‌های اندازه‌گیری پیشین است، ولی این اختلاف هرگز معنی‌دار نیست ($P = ۰/۹۶$) و کلیت مدل تأیید می‌شود. افزایش پارامترهای آزاد بیشتری به مدل (اغلب کوواریانس‌های بین خطاها مانند

آنچه بین e_2 و e_3 و موارد مشابه دیگر تعریف شده) باعث بهبود بیشتر این شاخص شده است؛ اما باید توجه داشت که با افزودن هر پارامتر آزاد، یک واحد از درجه آزادی مدل کاسته می‌شود و این خود باعث فاصله گرفتن بیشتر برخی دیگر از شاخص‌های برازش با مقادیر معیار مربوطه خواهد شد؛ گرچه در مدل مورد بحث حاضر تمامی شاخص‌های دیگر نیز در مقایسه با مقادیر معیار از وضعیت خیلی خوبی برخوردارند و همگی اعتبار مدل را تأیید می‌کنند.

علاوه بر اثرهای مستقیم متغیرهای مشاهده‌شده (x_i ها) روی زیرمقیاس مربوطه، که به‌طور مجزا توسط چهار مدل اندازه‌گیری ارزیابی شدند، مدل ساختاری نهایی فوق نیز دربردارنده ضرایبی در رابطه با اثرهای مستقیم^۸ چهار مؤلفه یا زیرمقیاس اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، خدماتی و مدیریتی و نیز اثرهای غیرمستقیم^۹ معرف‌ها یا متغیرهای مشاهده‌شده روی متغیر وابسته پنهان ارزیابی کلی عملکرد است که این اثرهای غیرمستقیم (همان‌گونه در شکل شماره ۳ نیز دیده می‌شود)، از حاصل ضرب اثرهای مستقیم یا ضرایب رگرسیونی بین متغیرهای مشاهده‌شده (x_i ها) با زیرمقیاس‌های مربوطه و اثرها مستقیم یا ضرایب رگرسیونی بین این مقیاس‌ها و متغیر ارزیابی کلی عملکرد محاسبه می‌شوند. نکته قابل ذکر در این رابطه آن است که برآوردها یا ضرایب رگرسیونی اثرها مستقیم بین متغیرهای مشاهده‌شده و مقیاس‌های مربوطه در مدل ساختاری نهایی با برآوردهای حاصل از مدل‌های اندازه‌گیری قبلی تا اندازه‌ای متفاوتند: اولاً این تفاوت‌ها به دلیل آن است که در مدل ساختاری نهایی همه متغیرهای مشاهده‌شده به‌طور یکجا حضور دارند و در برآورد ضریب هر متغیر، علاوه بر زیرمقیاس مربوطه، بارگیری از زیرمقیاس‌های دیگر نیز تأثیرگذار هستند؛ ثانیاً اهمیت مدل‌های اندازه‌گیری تنها دستیابی به مقیاس‌ها یا زیرمقیاس‌های معتبر برای ارزیابی و سنجش مقیاس یا متغیر وابسته اصلی است و میزان و چگونگی رابطه و تأثیر واقعی متغیرهای مشاهده‌شده بر متغیر پنهان وابسته را ضرایب یا اثرهای غیرمستقیم مدل ساختاری نشان می‌دهند. بر این اساس جدول شماره ۶ ضرایب رگرسیونی استاندارد یا همان اثرهای مستقیم و غیرمستقیم نهایی متغیرهای مشاهده‌شده و زیرمقیاس‌های به‌دست‌آمده بر متغیر وابسته پنهان اصلی (ارزیابی کلی مردم از عملکرد دهیاری‌ها) را نشان می‌دهد. ستون اول مقادیر ضرایب رگرسیونی یا اثرهای مستقیم چهار زیرمقیاس و اثرهای غیرمستقیم (مقادیر برجسته) متغیرهای مشاهده‌شده بر متغیر وابسته اصلی؛ یعنی ارزیابی کلی از عملکرد دهیاری‌ها را نشان می‌دهد و چهار ستون بعدی نیز دربردارنده ضرایب رگرسیونی یا اثرهای مستقیم نهایی متغیرهای مشاهده‌شده بر زیرمقیاس‌های مربوطه است. نکته قابل ذکر در رابطه با این ضرایب آن است که سطح معنی‌داری برای تمامی اثرهای مستقیم نهایی (مقادیر قطری جدول) بر اساس خطاهای استاندارد و نسبت‌های بحرانی گزارش می‌شوند. این سطوح معنی‌داری (که برای جلوگیری از افزایش حجم مقاله گزارش نشده‌اند) برای تمامی اثرهای مستقیم نهایی کوچکتر از ۰/۰۱ هستند که نشانه معنی‌داری تمامی تأثیرات مستقیم گزارش شده (چه بین متغیرهای مشاهده‌شده و زیرمقیاس مربوط به هر کدام و چه بین هر کدام از این زیرمقیاس‌ها و مقیاس کلی ارزیابی عملکرد) در سطح ۹۹ درصد است. نسبت‌های بحرانی و در نتیجه سطوح معنی‌داری برای ضرایب اثرهای غیرمستقیم محاسبه و گزارش نمی‌شوند^{۱۰}، اما

8-direct effects

9-indirect effects

۱۰- گرچه در عوض از طریق گزینه Factor Score Weights توان هر کدام از متغیرهای مشاهده‌شده اولیه را در پیش‌بینی نمره‌های متغیر وابسته پنهان می‌توان آزمون.

مقادیر استاندارد این ضرایب چون غیروابسته به مقیاس هستند، امکان مقایسه تأثیرات متغیرهای مشاهده شده بر متغیر وابسته پنهان نهایی (ارزیابی کلی از عملکرد) را فراهم می‌آورند.

جدول ۶) اثرهای کلی (مستقیم و غیرمستقیم) متغیرهای مشاهده شده و زیرمقیاس‌ها بر مقیاس ارزیابی عملکرد

متغیرها / زیرمقیاس‌ها	ارزیابی کلی عملکرد	عملکرد اقتصادی	عملکرد اجتماعی فرهنگی	عملکرد خدماتی	عملکرد مدیریتی
عملکرد اقتصادی	۰/۶۶۱	۰	۰	۰	۰
عملکرد اجتماعی- فرهنگی	۰/۷۵۱	۰	۰	۰	۰
عملکرد خدماتی	۰/۹۴۹	۰	۰	۰	۰
عملکرد مدیریتی	۰/۹۲۳	۰	۰	۰	۰
x_1	۰/۴۷۱	۰/۷۱۳	۰	۰	۰
x_2	۰/۴۴۸	۰/۶۷۸	۰	۰	۰
x_3	۰/۵۴۹	۰/۸۳۱	۰	۰	۰
x_4	۰/۵۰۴	۰/۷۶۳	۰	۰	۰
x_5	۰/۳۹۵	۰/۵۹۹	۰	۰	۰
x_6	۰/۵	۰	۰/۶۶۶	۰	۰
x_7	۰/۵۴۵	۰	۰/۷۲۶	۰	۰
x_8	۰/۵۱۶	۰	۰/۶۸۷	۰	۰
x_9	۰/۷۲۶	۰	۰/۹۶۶	۰	۰
x_{10}	۰/۳۷۹	۰	۰	۰/۳۹۹	۰
x_{11}	۰/۲۹۲	۰	۰	۰/۳۰۸	۰
x_{12}	۰/۷۸۲	۰	۰	۰/۸۲۴	۰
x_{13}	۰/۵۹۶	۰	۰	۰	۰/۶۴۶
x_{14}	۰/۷۲۵	۰	۰	۰	۰/۷۸۵
x_{15}	۰/۷۱۹	۰	۰	۰	۰/۷۷۹
x_{16}	۰/۷۲۵	۰	۰	۰	۰/۷۸۵
x_{17}	۰/۷۳۳	۰	۰	۰	۰/۷۹۴
x_{18}	۰/۵۷۴	۰	۰	۰	۰/۶۲۲

بر این اساس، مشاهده می‌شود که بیشترین اثرهای غیرمستقیم بر ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها به ترتیب مربوط به متغیرهای مشاهده شده x_{12} (فراهم کردن زمینه برای خدمات بهداشتی)، x_{17} (مشورت با مردم)، x_9 (فراهم کردن خدمات جانبی برای امر آموزش)، x_{16} (تلاش برای حل اختلافات و دعاوی)، x_{14} (برقراری و حفظ امنیت عمومی) و x_{15} (آشنایی و اراده برای حل مشکلات موجود) و در مقابل کمترین آنها نیز به ترتیب مربوط به متغیرهای x_{11} (فراهم کردن خدمات رفاهی)، x_1 (کمک به اجرای طرح‌های عمرانی و فرهنگی)، x_5 (تشکیل انواع شرکت‌های تعاونی)، x_2 (ایجاد و توسعه کارگاه‌های تولیدی) و x_1 (فعالیت در رابطه با توسعه کشاورزی) است. گرچه با توجه به این ضرایب نیز کمترین میزان تأثیر مربوط به فعالیت‌های اقتصادی و امور اجرایی بوده و بیشترین تأثیرها نیز مربوط به اقدامات مدیریتی و امور عمومی هستند، اما روند ترتیبی تأثیر متغیرها کاملاً مطابق با ترتیب میانگین نمره‌های خام آنها (مطابق جدول شماره ۲) نیست. برای مثال، متغیرهای x_{13} و x_{18} که بر اساس نمره‌های خام دارای میانگین‌های بالاتری نسبت به دیگر متغیرها

هستند، با حذف اثرهای خطا و لحاظ تأثیرات متقابل در نتیجه مدل‌سازی‌های ساختاری، دارای نقش و تأثیر کمتری هستند و در مقابل متغیرهای دیگری (مانند x_3 و x_4) که میانگین‌های پایین‌تری بر اساس نمره‌های خام دارند، پس از حذف اثرهای خطا دارای تأثیرات ساختاری بیشتری بر ارزیابی عملکرد هستند. عکس این وضعیت نیز صادق است؛ برای مثال، متغیرهایی مانند x_2 و x_4 که دارای کمترین تأثیرات ساختاری بر اساس ضرایب جدول فوق هستند، به لحاظ میانگین نمره‌های خام وضعیت به مراتب بهتری دارند و یا متغیرهای دیگری مانند x_{17} ، x_{16} و x_{14} که تأثیرات ساختاری بیشتری نسبت به بقیه دارند، به لحاظ میانگین نمره‌های خام دارای وضعیت و جایگاه ضعیف‌تری هستند. بنابراین، مشاهده می‌شود که قضاوت پیرامون تأثیر متغیرهای سنجش شده اولیه بر مقیاس یا متغیر وابسته اصلی مورد مطالعه بر اساس نمره‌های خام آنها، تا اندازه بسیار زیادی متفاوت با هنگامی است که از طریق مدل‌های اندازه‌گیری مناسب و معتبر خطاهای اندازه‌گیری از این مقادیر حذف شده باشد و به‌علاوه تأثیر معنی‌دار آنها در سنجش متغیر وابسته پنهان در مدل‌سازی‌های ساختاری معتبر و قابل قبول (مبتنی بر ساختار واریانس‌ها و کواریانس‌ها) تأیید شده باشد. به‌طور کلی، نتایج فوق حاکی از نقش و تأثیر بیشتر ابعاد مدیریتی و فرهنگی-اجتماعی در مقایسه با ابعاد اقتصادی و خدماتی بر ارزیابی جامعه روستایی مورد مطالعه از عملکرد نهاد دهیاری است؛ گرچه این وضعیت در رابطه با خدمات بهداشتی متفاوت با دیگر وجوه خدمات رفاهی و فرهنگی است. این در حالی است که بنا بر نتایج حاصل از مدل‌های اندازه‌گیری، اعتبار درونی مقیاس مربوط به بعد خدماتی بیشتر از بقیه ابعاد است (رک. جدول شماره ۴). بنابراین می‌توان گفت که تأثیرات غیرمستقیم و نهایی متغیرهای مشاهده‌شده بر مقیاس کلی ارزیابی جامعه روستایی از عملکرد دهیاری‌ها بیش از آنکه تحت تأثیر اعتبار درونی زیرمقیاس‌های اندازه‌گیری شده باشد، ناشی از ماهیت خود این متغیرها و نقشی است که در ارزیابی از عملکرد دهیاری‌ها دارند.

نتیجه‌گیری

مدیریت روستایی کارآمد و اثرگذار از مؤلفه‌های ضروری و پیش‌نیازهای توسعه روستایی به‌شمار می‌آید. توجه نسبتاً کمتر مجامع علمی به این مقوله در مقایسه با سایر مؤلفه‌های ملموس^{۱۱} توسعه روستایی، مانند: منابع، امکانات و تسهیلات و غیره شاید به ناملموس^{۱۲} بودن آن برمی‌گردد، اما شکی نیست که مدیریت، سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و مؤلفه‌های ناملموس دیگری از این دست از نقش و تأثیری دست‌کم همسنگ منابع و امکانات در فرآیند توسعه روستایی؛ بویژه در جوامع کمتر توسعه‌یافته‌ای چون جوامع روستایی ما برخوردارند. عدم صراحت و روشنی^{۱۳} ابعاد و ماهیت این مفهوم در کنار مشکلات دیگری مانند امر متولیگری مدیریت روستایی به چالش‌های تاریخی این مقوله افزوده است. مدیریت معاصر روستایی در ایران تحولات عمده‌ای را از سر گذرانیده که هر کدام تأثیرات کلان و بسزایی را نیز در سرنوشت و موفقیت توسعه روستایی ایران داشته‌اند. آخرین حلقه این زنجیره تغییرات تأسیس نهاد دهیاری در سطح روستاهاست که البته هنوز تمامی روستاها را در بر نمی‌گیرد. اهداف و وظایف مطرح در قانون دهیاری‌ها، که شاید برجسته‌ترین مشخصه

11-tangible

12-intangible

13- ambiguity

آنها نقش واسطه‌ای است که بین جوامع محلی و نهادهای دولتی ایفا می‌کنند، به نظر بیشتر از توان و ظرفیت انسانی، مالی و مادی در اختیار آنها می‌رسد. تجربه چندساله عملکرد این نهاد که کمابیش از سوی پژوهشگران ارزیابی شده، تا اندازه زیادی مؤید این ادعاست. در مقاله حاضر نیز که حاصل مطالعه‌ای مقطعی در رابطه با ارزیابی جامعه روستایی از عملکرد نهاد دهیاری در سطح روستاهای بخش مرکزی شهرستان روانسر در استان کرمانشاه است، مبنای کار برای طراحی پرسشنامه و جمع‌آوری داده‌های مورد استفاده، مراجعه به موارد مطرح در قانون دهیاری‌ها بوده است. بر این مبنای متغیرهای سنجیده شده در چهار گروه عمده ارزیابی از عملکرد اقتصادی، عملکرد اجتماعی- فرهنگی، عملکرد خدماتی و عملکرد مدیریتی دسته‌بندی شدند و سنجش اعتبار این زیرمقیاس‌ها به‌عنوان مؤلفه‌های ارزیابی عملکرد به کمک مدل‌های تحلیل عاملی تأییدی (CFA) و از طریق رویکرد آماری مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) صورت گرفت. چگونگی و میزان تأثیر این چهار مؤلفه و نیز متغیرهای تشکیل‌دهنده آنها و رابطه بین آنها با ارزیابی کلی از عملکرد دهیاری‌ها به‌عنوان متغیر وابسته اصلی تحقیق نیز به کمک یک مدل ساختاری تحلیل عاملی تأییدی پنج عاملی مرتبه دوم تجزیه و تحلیل شد. افزون بر اینکه توصیف آماری متغیرهای اولیه و داده‌های خام آنها حاکی از ضعف عملکرد دهیاری‌ها از دید جامعه روستایی مورد مطالعه در همه جوانب آن با ترتیب عملکرد اقتصادی، عملکرد اجتماعی- فرهنگی، عملکرد خدماتی و عملکرد مدیریتی به‌عنوان ضعیف‌ترین ابعاد عملکردی دهیاری‌ها بود، نتایج نهایی حاصل از حذف اثرهای خطاهای اندازه‌گیری در رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری، بیانگر تأثیرپذیری ارزیابی جامعه روستایی از عملکرد دهیاری‌ها به ترتیب از چهار مؤلفه عملکرد خدماتی، مدیریتی، اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی است که تا اندازه‌ای با نتایج حاصل از میانگین‌های نمره‌های خام متغیرهای مشاهده شده اولیه متفاوت است. در پایان، قابل ذکر است که علاوه بر نیاز به انجام مطالعه مستقل دیگری در رابطه سنجش، ارزیابی و تحلیل عوامل مؤثر بر عملکرد دهیاری‌ها - که البته باید مبتنی بر داده‌هایی باشد که از جامعه دهیاران گردآوری می‌شود - پرسشنامه محقق ساخته و غیراستاندارد ارزیابی عملکرد و به تبع مقیاس‌سازی‌های ابعاد چهارگانه آن نیز نیازمند اصلاح و اعتبارسنجی‌های بیشتری در مطالعات آینده است.

منابع

- ۱- از کیا، مصطفی و غلامرضا غفاری. (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تأکید بر ایران، تهران: نشر نی.
- ۲- افراخته، حسن. (۱۳۸۸). مدیریت روستایی با تأکید بر ایران، تهران: انتشارات گنج هنر.
- ۳- اکبری، صادق و مجید عبدالمهی. (۱۳۹۰). مجموعه قوانین و مقررات ده و دهیاری با آخرین اصلاحات، تهران: انتشارات قلمستان هنر.
- ۴- ایمانی جاجرمی، حسین. (۱۳۷۳). بررسی جامعه‌شناختی روند نوسازی در دوران رضاشاه (۱۳۲۰-۱۳۰۴)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران.
- ۵- ایمانی جاجرمی، حسین و مجید عبدالمهی. (۱۳۸۸). بررسی تحولات مدیریت روستایی در ایران از مشروطیت تا زمان حاضر، راهبرد، ۱۸ (۵۲): ۲۴۴-۲۲۱.

- ۶- تودارو، مایکل (۱۳۶۸). *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، (غ. فرجادی. مترجم)، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- ۷- چوبچیان، شهلا؛ خلیل کلانتری و حسین شعبانعلی فمی (۱۳۸۶). عوامل مؤثر بر عملکرد دهیاری‌های استان گیلان، *روستا و توسعه*، ۱۰ (۲): ۸۸-۱۰۸.
- ۸- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ حمداله سجاسی قیداری و جمشید عینالی (۱۳۸۶). نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار، *روستا و توسعه*، ۱۰ (۲): ۱-۳۱.
- ۹- طالب، مهدی (۱۳۷۶). *مدیریت روستایی در ایران*. چاپ دوم. انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۰- قاسمی، وحید (۱۳۸۹). *مدل‌سازی معادله ساختاری با کاربرد Amos Graphics* تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- ۱۱- قدیری معصوم، مجتبی و وحید ریاحی (۱۳۸۳). بررسی محورهای چالش‌های مدیریت روستایی در ایران. *پژوهش‌های جغرافیایی*، ۳۶ (۵۰): ۱۷۷-۱۹۸.
- ۱۲- کریمی، محمد (۱۳۸۶). *ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در توسعه روستایی؛ مطالعه موردی بخش کندوان شهرستان میانه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- ۱۳- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۸). *مدیریت روستایی در ایران معاصر، تعاون*، ۲۰ (۲۰۲-۲۰۳): ۴۹-۶۷.
- ۱۴- معاونت برنامه‌ریزی استانداری کرمانشاه (۱۳۸۶). *نمای جمعیتی شهرستان روانسر در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵*، دفتر آمار و اطلاعات، کرمانشاه.
- ۱۵- مهدوی، مسعود و علی‌اکبر نجفی کانی (۱۳۸۴). *دهیاری‌ها تجربه‌ای دیگر در مدیریت روستایی؛ مطالعه موردی دهیاری‌های استان آذربایجان غربی*. *پژوهش‌های جغرافیایی*، ۵۳: ۲۱-۳۹.
- ۱۶- نعمتی، مرتضی و سیدعلی بدری (۱۳۸۶). *ارزیابی نقش کارکردی نظام نوین مدیریت روستایی؛ مقایسه تطبیقی دهیاری‌های فعال در روستاهای کوچک و بزرگ استان گلستان*، *پژوهش‌های جغرافیایی*، ۳۹ (۵۹): ۱۶۱-۱۷۶.
- ۱۷- هومن، حیدرعلی (۱۳۸۴). *مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل*، تهران: سمت.
- 18- Cirella, G.T. and Tao, L. (2010). The index of sustainable functionality: an application for measuring sustainability. *International Journal of Human and Social Sciences*, 5 (5): 279-285.
- 19- Cleavar, K. (1997). *Rural development strategies for poverty reduction and environmental production in sub- sahran Africa*. World Bank, Washington DC.
- 20- Holand, J., Burian, M. and Dixey, L. (2003). *Tourism in poor rural areas, diversifying the product and expanding the benefits in rural Uganda and the Czech Republic*. PPT Working Paper No. 12. PPT Partnership, Economic and Social Research Unit (ESCOR), UK Department for International Development (DFID), 38 Pages.
- 21- Lai, J.U. and Lin, C.T. (2008). *What factors drive corporate customer satisfaction with e-banking services*. PACIS 2008 Proceedings.
- 22- Lowe, P., Ray, C., Ward, N., Wood, D. and Woodward, R. (1999). *Participation in Rural Development: a review of European experience*. Foundation, Center for Rural Economy, University of Newcastle.

- 23- Pugliese, P. (2001). Organic farming and sustainable rural development: a multifaceted and Promising Convergence. *Sociologia Ruralis* 41 (1): 112-130.
- 24- Rashidpour, L., Farajallah Hosseini, S.J. and Mirdamadi, S.M. (2011). Local community based management as a good governance approach to rural poverty reduction and sustainable development in Iran. *American-Eurasian Journal of Agriculyural & Environmental Sciences* 10 (2): 174-179.
- 25- Sayahi Kashi, J. (2004). A Country Papers for Islamic Republic of Iran. In: *Report of the APO (Asian Productivity Organization) Seminar on Role of local communities and institutions in integrated rural development*. 15-20 June 2002 (ICD-SE-3-01), Tehran, Iran.
- 26- Tanguay, G.A., Rajaonson, J., Lefebvre, J.F. and Lanoie, P. (2010). Measuring the sustainability of cities: an analysis of the use of local indicators. *Journal of Ecological Indicators* 10: 407-418.
- 27- Wenchang, W. (2008). Rural management - the way out for Tibetan rural areas. *Journal of the Washington Institute of China Studies* 3 (3): 75-84.
WWW.imo.org.ir.
- 28- Yghi, A. (2008), Good governance practices by local administration in Jordan and USA. *International Journal of Rural Management* 4 (1-2): 47-65.

